

پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا در زنان طلبه با تأکید بر آموزه‌های قرآنی

فاطمه نصیری بالا کولایی^۱، شهربانو دهرویه^{۲*}

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طلاق عاطفی سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا پرداخته است؟

روش: این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از لحاظ شیوه جمع‌آوری داده‌ها و تحلیل آن‌ها، توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه پژوهش حاضر شامل کلیه زنان طلبه مدرسه علمیه الزهرا و نرجس به تعداد ۶۰۰ نفر بودند. حجم نمونه با استفاده از جدول کرجسی و مورگان برابر با ۲۳۴ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش حاضر، شامل چهار پرسش‌نامه استاندارد با نام‌های تعارض زناشویی کانزاس، پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن، پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس و پرسشنامه دلبستگی به خدا از بک و مک‌دونالد است. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی (فراوانی، درصد فراوانی، نمودار) و آمار استنباطی (آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و رگرسیون) به وسیله نرم‌افزار SPSS انجام شده است.

یافته‌ها: بین تعارضات زناشویی با طلاق عاطفی ($r=0/502$)، سازگاری زوجی ($r=-0/621$) و دلبستگی به خدا ($r=-0/58$)، در زنان طلبه رابطه معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پایداری روابط زناشویی در میان زنان طلبه نه تنها متأثر از عوامل عاطفی و ارتباطی، بلکه وابسته به ساختار معنوی و نظام ارزشی آنان است.

کلمات کلیدی: تعارضات زناشویی، دلبستگی به خدا، سازگاری زوجی، طلاق عاطفی.

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران.
۲. نویسنده مسئول، استادیار روانشناسی، موسسه آموزش عالی ادیب مازندران، ساری، ایران.

بیان مسئله

در بافت فرهنگی ایران، خانواده به عنوان هسته اصلی جامعه نقش تعیین کننده ای در روابط زناشویی ایفا می کند [۱]. تعارض و عدم تفاهم در روابط زوجین امری شایع است و هیچ خانواده ای از این امر مستثنا نیست اما گاهی این تعارضات تبدیل به تعارض های شدید می شود. امروزه زوجین درگیر انواع مختلفی از تعارضات شدیدند که سبب عدم کارکرد خوب و سالم خانواده می شود و نهادی که وظیفه اصلی آن تقویت روحیه و شخصیت سالم است خود به عاملی برای ایجاد تعارضات عاطفی رفتاری و شخصیتی تبدیل می شود [۲]. با پیچیده تر شدن سبک های زندگی، افزایش فشارهای روانی و اقتصادی و تحولات فرهنگی و ارزشی، زوج ها بیش از پیش در معرض تعارضات زناشویی قرار گرفته اند که در صورت تداوم می توانند پیامدهای منفی گسترده ای بر سلامت فردی، خانوادگی و اجتماعی برجای بگذارند. بر این اساس توجه به راهکارهای مؤثر در بهبود کیفیت روابط زوجین و افزایش سازگاری زناشویی ضرورتی انکارناپذیر یافته است [۳].

از آنجایی که نوع روابط زوجین جهت افزایش کیفیت زندگی مهم است؛ بنابراین بررسی مشکلات و تعارضات ایجاد شده در دوران زندگی زناشویی ضروری به نظر می رسد؛ زیرا با شناسایی و از بین بردن عوامل زمینه ساز تعارض زناشویی مانند طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا می توان به زوجین کمک کرد تا مبنای مناسب تری را برای کاهش تعارضات زناشویی ترسیم کنند [۴].

در یک رابطه زناشویی توافق نداشتن در بعضی مسائل امری طبیعی است؛ اما زمانی که آسیب های پنهان درون خانواده رخ دهد منجر به پدیده طلاق عاطفی خواهد شد. یکی از مسائل نگران کننده در میان زوجین که در دهه های اخیر به ویژه در جوامع شهری نمود بیشتری یافته است. حالتی که در آن زوجین از نظر عاطفی از یکدیگر فاصله می گیرند. بدون اینکه

به طور رسمی از هم جدا شوند. در این صورت، زوجین هیچ تمایلی به ترمیم رابطه زناشویی بینشان ندارند. بین زوجین علاقه و صمیمیت از بین رفته و مانند هم خانه زیر یک سقف زندگی می کنند [۵].

سازگاری زناشویی یکی دیگر از سازه هایی است که مورد مطالعه گسترده ای در ادبیات ازدواج قرار گرفته و به عنوان شاخصی از عملکرد ازدواج است. سازگاری زناشویی را می توان به عنوان نظام خانواده یا حتی بخشی از نیروهای تأمین کننده حیات و احیا کننده خانواده دانست و سازگاری زناشویی یکی از عوامل موفقیت در تعامل بین زوجین است، احساس خشنودی و رضایت تجربه شده از طرف همسر در همه جنبه های زندگی زناشویی تعریف می شود. سازگاری زناشویی به معنای نداشتن مشکل در زندگی نیست؛ بلکه به معنای ظرفیت سازگارشدن با مشکلات و توانایی حل آن هاست [۶]. سازگاری زوجین با ظرفیت سازگاری یا توانایی حل مشکلات، مدیریت وظایف مربوط به رابطه و پذیرش نقش های متفاوت بر اساس وظایف تحولی هر مرحله از چرخه زندگی مطابقت می کند [۷].

از جمله عوامل مؤثر بر رضایت از زندگی زناشویی و کاهش تعارضات، می توان به نقش دلبستگی به خدا اشاره نمود. در سال های اخیر معنویت به عنوان یک بعد فردی و باتوجه به نقشی که می تواند در بهبودی داشته باشد. توجه فزاینده ای را به خود جلب کرده است. دلبستگی یک رابطه هیجانی خاص است که مستلزم تبادل لذت مراقبت و آسایش است [۸]. دلبستگی به خدا تحت عنوان ارتباط و گرایش عاطفی فرد به خداوند تعریف شده است. در این تعلق خاطر، خداوند به عنوان پایگاه امنی شناخته می شود که در همه شرایط می توان او را جستجو کرد. کالیا و همکاران (۲۰۱۵) نیز نشان دادند که دلبستگی ایمن کیفیت زندگی افراد را بهبود می بخشد. بک^۱ (۲۰۰۶) معتقد است افرادی که دلبستگی ایمن به خدا دارند؛

کمتر دچار تنش و افسردگی می‌شوند و از احساس رضایت و صمیمیت بیشتری برخوردارند. ماینر داوسان و مالون^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای نشان دادند که دلبستگی ایمن به خدا سبب افزایش روان درستی می‌گردد.

از طرفی دیگر نگرش دینی یعنی نوعی اعتقاد منسجم که در همه امور، خداوند محور قرار می‌گیرد و اخلاقیات و رفتارهای انسانی هماهنگ‌کننده است. درواقع آرامشی که دین به انسان می‌دهد همراه با حس نیرومند مسئولیت و اعتقاد به جاودانه بودن انسان و برتری جنبه‌های معنوی زندگی بر جهان مادی است [۹]. دین اسلام اساس و پایه زندگی زناشویی بر محبت و مودت (روم: ۱۲) میان همسران و رمز سعادت زندگی زناشویی را آرامش دهی زوج‌ها (اعراف: ۱۸۹) به همدیگر می‌داند. رعایت حقوق متقابل (بقره: ۲۲۸) عامل مؤثری در کاهش تعارضات و اختلاف زوجین از دیدگاه اسلام است [۱۰].

مطالعات متعددی نشان داده‌اند که طلاق عاطفی، کاهش سازگاری در روابط زناشویی و کاهش دلبستگی به خدا، موجب افزایش تعارضات مستمر، کاهش حمایت عاطفی و کاهش رضایت از زندگی مشترک می‌شود [۱۱]. در پژوهشی که توسط الشهرانی و حماد^۲ (۲۰۲۳) بر روی زنان متأهل در عربستان انجام شد، نشان داد که بروز طلاق عاطفی با افزایش افسردگی، اضطراب و احساس تنهایی همبستگی بالایی دارد و این سه متغیر توانسته‌اند بخش قابل‌توجهی از تغییرات مربوط به این پدیده را پیش‌بینی کنند [۱۲]. در ایران نیز؛ نتایج مطالعه صادق خانی و همکاران (۱۴۰۲) بیانگر آن است که صفات شخصیتی منفی و شیوه‌های ناکارآمد حل‌وفصل تعارضات زناشویی، به‌واسطه ایجاد کسالت در زندگی مشترک، می‌توانند منجر به شکل‌گیری طلاق عاطفی شوند. مطالعه‌ای که توسط مانک و اوگالسکی^۳ (۲۰۲۱) بر روی ۲۲۰ زوج تازه

عقد کرده انجام شد، نشان داد که تجربه تعارض‌های ناسالم در خانواده مبدأ، با الگوهای ناکارآمد در مواجهه با تعارض در روابط زناشویی مرتبط است. این تجربیات می‌توانند منجر به رفتارهایی نظیر درگیری‌های مکرر، اجتناب از حل تعارض یا پاسخ‌های هیجانی منفی شوند که درنهایت، موجب کاهش کیفیت و سازگاری زناشویی در سال‌های ابتدایی زندگی مشترک می‌گردند [۱۳]. فرهوش و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را با عنوان رابطه دلبستگی به خدا با شادکامی و رضایت از زندگی در طلاب و غیر طلاب در شهرک پردیسان قم انجام دادند. روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش ۴۶۱ نفر از افراد متأهل ساکن در شهرک پردیسان قم (۱۹۸ طلبه و ۲۶۳ غیر طلبه) به روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که رابطه دلبستگی به خدا با رضایت از زندگی و شادکامی در هر دو گروه طلاب و غیر طلاب مثبت بود [۱۴]. برودوسکی^۴ (۲۰۲۵) در پژوهشی با عنوان «دلبستگی به خدا و بهزیستی روان‌شناختی در افراد متأهل» به بررسی نقش دلبستگی به خدا در سلامت روان و کیفیت روابط زناشویی پرداخت. جامعه آماری آن شامل افراد متأهل از جوامع مذهبی در اروپا بود. نتایج نشان داد که دلبستگی ایمن به خدا با سطوح پایین‌تری از افسردگی، اضطراب و استرس همراه است و درعین حال، با افزایش سلامت روان و کاهش تعارضات زناشویی رابطه دارد [۱۵].

نتایج پژوهش‌های گذشته نشان می‌دهد، طلاق عاطفی، سردی روابط و نارضایتی زناشویی می‌توانند به تعارضات زناشویی به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین نشانه‌های آسیب در زندگی مشترک منجر شوند. پژوهشگر قصد دارد بداند که در میان زنان طلبه که زندگی آنان با ارزش‌های دینی و معنوی پیوندی عمیق دارد؛ چگونه رابطه بین دلبستگی به خدا، سازگاری زوجی و طلاق عاطفی می‌تواند تعارضات زناشویی را

1. Miner Dawson and Malone

2. Al-Shahrani & Hammad

3. Monk and ogolsky

4. Brodsky

پیش‌بینی کند. فهم این موضوع نه تنها به غنای ادبیات پژوهش در حوزه خانواده دینی کمک می‌کند، بلکه می‌تواند مبنایی برای طراحی برنامه‌های مشاوره‌ای و آموزشی در مراکز حوزوی و مذهبی باشد.

از سویی؛ بررسی منابع و پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی درباره تعارضات زناشویی، سازگاری زوجی و طلاق عاطفی انجام شده است، اما بیشتر این پژوهش‌ها بر جمعیت‌های عمومی یا دانشگاهی متمرکز بوده‌اند و کمتر به زنان طلبه به‌عنوان گروهی با ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی، دینی و اجتماعی پرداخته‌اند. در اکثر مطالعات داخلی، متغیر دلبستگی به خدا به‌عنوان عاملی پیش‌بینی‌کننده در روابط زناشویی نادیده گرفته شده یا به‌صورت سطحی بررسی شده است. این پژوهش می‌کوشد با پر کردن این شکاف، به این سؤال پاسخ دهد که آیا طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا تعارضات زناشویی را در زنان طلبه پیش‌بینی می‌کند؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمامی طلبه‌های مدرسه علمیه الزهرا و نرجس شهر ساری در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ به تعداد حدود ۶۰۰ نفر بود. از میان طلاب مدرسه علمیه الزهرا و نرجس شهرستان ساری در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ بر اساس جدول کرجسی و مورگان تعداد ۲۳۴ طلبه، به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات پژوهش، از چهار پرسشنامه‌های تعارض زناشویی کانزاس^۱ و همکاران (۱۹۸۵) که دارای ۲۷ گویه بود، پرسشنامه طلاق عاطفی جان گاتمن (۲۰۰۸) که دارای ۲۴ سؤال بود، پرسشنامه سازگاری زناشویی لاک والاس^۲ (۱۹۵۰) که دارای ۱۵ سؤال بود و پرسشنامه

دلبستگی به خدا بک و مک‌دونالد (۲۰۰۴) که دارای ۲۴ سؤال بود، استفاده شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن و رگرسیون چند متغیره به روش همزمان با استفاده از نسخه ۲۲ نرم‌افزار spss استفاده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲۰۰ زن طلبه مورد ارزیابی قرار گرفتند که ۴۰ درصد از زنان طلبه در گروه سنی ۲۰ تا ۲۵ سال، ۳۲ درصد در گروه سنی ۲۶ تا ۳۰ سال و ۲۸ درصد در گروه سنی ۳۱ تا ۳۵ سال بودند. همچنین مدت‌زمان گذشته از ازدواج در ۴۷ درصد از زنان طلبه زیر ۵ سال، ۲۹ درصد بین ۶ تا ۱۰ سال و ۲۴ درصد بین ۱۱ تا ۱۵ سال بود.

میانگین و انحراف معیار تعارض زناشویی در زنان طلبه برابر $54/49 \pm 6/68$ ، میانگین و انحراف معیار طلاق عاطفی در زنان طلبه برابر $9/50 \pm 1/69$ ، میانگین و انحراف معیار دلبستگی به خدا برابر $97/57 \pm 1/76$ و میانگین و انحراف معیار سازگاری زوجی برابر $107/11 \pm 1/45$ بود (جدول ۱). همچنین بررسی ویژگی‌های توزیع متغیرهای پژوهش حاکی از آن است که شاخص‌های چولگی و کشیدگی در محدوده مجاز ± 2 قرار گرفته‌اند. این نتایج نشان می‌دهد که داده‌ها انحراف شدیدی از منحنی نرمال ندارند و وضعیت متغیرها از نظر کشیدگی و چولگی در حد مطلوب ارزیابی می‌شود که این امر برازش مدل‌های رگرسیونی را تقویت می‌کند.

نتایج ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین تعارضات زناشویی با طلاق عاطفی ($r = 0/502$)، سازگاری زوجی ($r = -0/621$) و دلبستگی به خدا ($r = -0/58$)، در زنان طلبه رابطه معناداری وجود دارد. (جدول شماره ۲) همچنین قبل از انجام آزمون رگرسیون، مفروضه همخطی بودن به کمک مقادیر عامل تورم واریانس^۲ و ضریب تحمل مورد بررسی قرار گرفت.

2. variance inflation factor

1. kansas

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین نمره	بیشترین نمره	چولگی	کشی‌دگی
تعارض زناشویی	200	54/49	6/68	29	61	-0/01	0/89
طلاق عاطفی	200	9/50	1/69	6	12	0/40	-1/31
دلبستگی به خدا	200	94/57	1/76	91	97	-0/60	-1/37
سازگاری زوجی	200	107/11	1/45	104	110	-0/44	-1/11

مقادیر ضریب تحمل همه متغیرهای پیش‌بین بزرگتر از ۰/۱ و مقادیر عامل تورم واریانس برای هر یک از آن‌ها کوچکتر از ۱۰ بود. منطبق بر دیدگاه میرز و همکاران (۲۰۰۶) ضریب تحمل کمتر از ۰/۱ و ارزش عامل تورم واریانس کوچکتر از ۱۰ نشان‌دهنده برقراری مفروضه همخطی بودن در بین داده‌های پژوهش بود. جهت بررسی استقلال خطاها، از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد که ۱/۷۷ به دست آمد، با توجه به این که آماره موردنظر در بازه ۱/۵ و ۲/۵ بود، بنابراین عدم همبستگی بین خطاها پذیرفته شد.

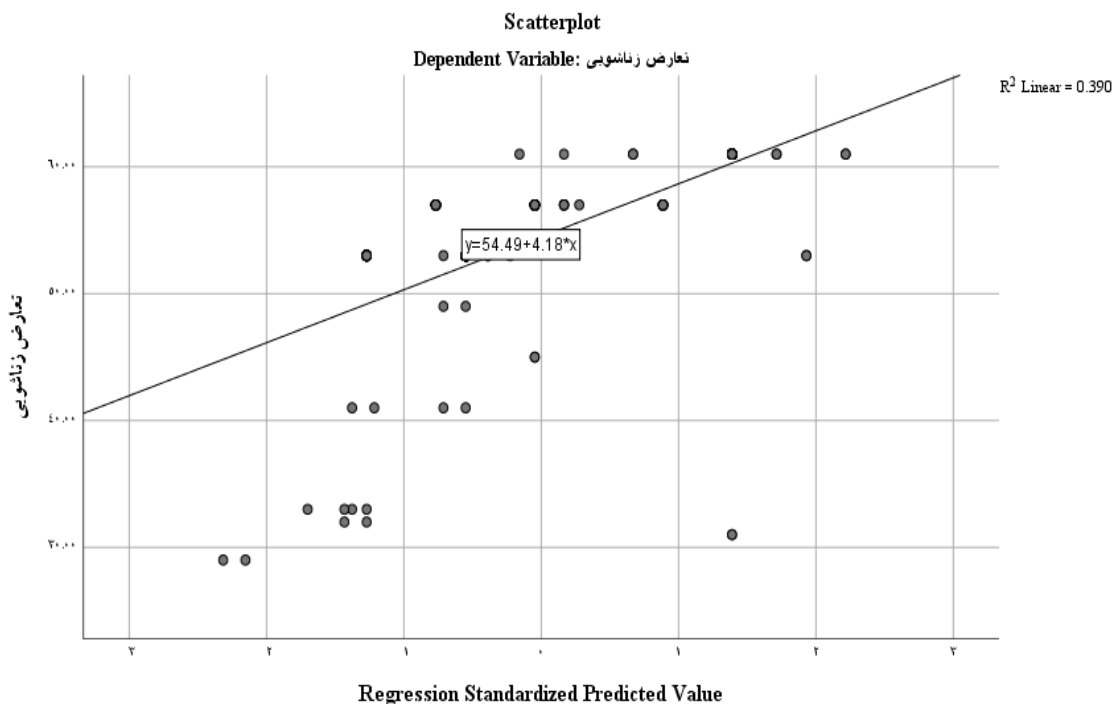
جدول ۲: ماتریس ضرایب همبستگی پیرسون بین تعارضات زناشویی با طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا در زنان طلبه

متغیر	1	2	3	4
طلاق عاطفی	1			
دلبستگی به خدا	-0/616**	1		
سازگاری زوجی	-0/861**	0/650**	1	
تعارض زناشویی	0/502**	-0/58**	-0/621**	1

** در سطح 0/01 معنی داری است. * در سطح 0/05 معنی داری است.

را در شرکت‌کنندگان تبیین کنند. همچنین، معادله رگرسیون ترسیم‌شده بر روی نمودار با شیب مثبت (۴/۱۸)، حاکی از آن است که مدل پیش‌بینی طراحی‌شده از برازش مناسبی برخوردار بوده و با افزایش مقادیر پیش‌بینی‌شده، میزان تعارضات زناشویی نیز به صورت معناداری تغییر می‌کند. تجمع نزدیک به خط اکثر داده‌ها نشان‌دهنده دقت نسبی مدل در پیش‌بینی متغیر وابسته است. در مجموع، این نمودار تأیید می‌کند که ترکیب متغیرهای روان‌شناختی و مذهبی مذکور، پیش‌بین‌های معتبری برای سنجش میزان تعارضات زناشویی در میان زنان طلبه محسوب می‌شوند.

به‌منظور بررسی توان پیش‌بینی متغیر «تعارضات زناشویی» بر اساس متغیرهای «طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا» در جامعه زنان طلبه، از نمودار پراکنش خط رگرسیون استفاده شد. همان‌طور که در نمودار شماره (۱) مشاهده می‌شود، توزیع نقاط حول خط رگرسیون نشان‌دهنده وجود یک رابطه خطی بین مقادیر پیش‌بینی‌شده استاندارد و میزان تعارضات زناشویی است. بر اساس نتایج مندرج در نمودار، ضریب تعیین معادل ۰/۳۹ به دست آمده است. این یافته بیانگر آن است که متغیرهای پیش‌بین (طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا) در مجموع توانسته‌اند ۳۹ درصد از کل واریانس (تغییرات) متغیر تعارضات زناشویی



نمودار ۱: نمودار پراکنش خط رگرسیون

در ادامه جدول ضرایب متغیرهای مستقل (سازگاری زوجی، زناشویی ارائه شده است). (جدول ۱)

طلاق عاطفی و دلبستگی به خدا) در پیش‌بینی تعارض

جدول ۱: ضرایب متغیرهای مستقل (سازگاری زوجی، طلاق عاطفی و دلبستگی به خدا) در پیش‌بینی تعارض زناشویی

سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد شده		شاخص‌های آماری
		Beta	خطای استاندارد	B	
0/000	7/164	-	59/36	425/277	مقدار ثابت
0/221	-1/228	0/171	0/550	-0/676	طلاق عاطفی
0/608	-0/51	-0/117	0/862	-0/443	دلبستگی به خدا
0/000	-3/65	-0/657	0/824	-3/011	سازگاری زوجی

همانطور که مشاهده می‌شود سازگاری زوجی با ضریب تأثیر (۰/۶۵۷-) قادر است تا سهمی از تعارض زناشویی در زنان طلبه را تبیین نماید ($p < ۰/۰۵$)؛ و مقدار تأثیر آن بر تعارض زناشویی زنان طلبه منفی است؛ یعنی با تقویت سازگاری زوجی، تعارض زناشویی در زنان طلبه کاهش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌ها بیانگر آن است که کاهش پیوندهای عاطفی، صمیمیت و همدلی در روابط زناشویی، زمینه‌ساز افزایش اختلافات و تعارض‌های میان‌فردی می‌شود. طلاق عاطفی یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فرایند فروپاشی روابط زناشویی است و با کاهش تبادلات مثبت، افزایش انتقاد، اجتناب هیجانی و فقدان رفتارهای ترمیمی ارتباط دارد. در بافت فرهنگی و دینی زنان طلبه، بروز طلاق عاطفی می‌تواند پیامد پیچیده‌تری داشته باشد، زیرا محدودیت‌های اجتماعی و تعهدات مذهبی معمولاً مانع از بروز طلاق رسمی می‌شود و در نتیجه، تنش‌ها به شکل تعارضات پنهان و مزمن بروز می‌یابند.

همچنین یافته‌ها نشان دادند که سازگاری زوجی با تعارضات زناشویی رابطه منفی و معنادار دارد. سازگاری زوجی به معنای توانایی زوجین در مدیریت تفاوت‌ها، انطباق با تغییرات و تنظیم هیجان‌های منفی است؛ بنابراین زوج‌های دارای سازگاری بالا از راهبردهای حل مسئله و گفت‌وگوهای سازنده استفاده می‌کنند و تعارض‌ها را به فرصتی برای رشد رابطه تبدیل می‌سازند. در زنان طلبه، می‌توان این سازگاری را متأثر از آموزش‌های مذهبی، مهارت‌های خودتنظیمی و نقش‌پذیری معنوی دانست که به بهبود تعاملات میان‌فردی و در نتیجه کاهش سطح تعارضات منجر می‌شود.

یافته مهم دیگر این پژوهش، رابطه منفی دلبستگی به خدا با تعارضات زناشویی بود. ارتباط ایمن با خداوند می‌تواند کارکردی مشابه دلبستگی ایمن در روابط انسانی داشته باشد؛

یعنی فرد در مواجهه با استرس‌های رابطه‌ای، از خداوند به‌عنوان منبع امنیت، آرامش و معنا استفاده می‌کند. در نتیجه، احتمال واکنش‌های هیجانی شدید، سرزنش و قطع ارتباط در روابط زناشویی کاهش می‌یابد. در بافت زنان طلبه که رابطه معنوی بخش مهمی از هویت فردی و اجتماعی آنان را تشکیل می‌دهد، دلبستگی به خدا می‌تواند به‌عنوان سازوکار محافظتی در برابر تعارضات عمل کرده و موجب تاب‌آوری زناشویی گردد. نتایج فوق نشان می‌دهد که طلاق عاطفی، سازگاری زوجی و دلبستگی به خدا به‌صورت هم‌زمان می‌توانند الگوی پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تعارضات زناشویی ارائه دهند. این یافته با مدل‌های چند سطحی تعامل میان متغیرهای روان‌شناختی و معنوی هم‌راستا است. در واقع، طلاق عاطفی به‌عنوان سازه‌ای هیجانی و بین‌فردی، سازگاری زوجی به‌عنوان سازه‌ای شناختی-رفتاری و دلبستگی به خدا به‌عنوان سازه‌ای معنوی-هویتی، در کنار یکدیگر ابعاد مکملی از نظام روابط زناشویی را تشکیل می‌دهند. هرگونه اختلال در یکی از این ابعاد می‌تواند به افزایش تنش‌ها، سوءتفاهم‌ها و در نهایت ناپایداری عاطفی در زندگی مشترک منجر شود. قرآن کریم نیز در سوره روم تأکید دارد؛ وقتی مودت و رحمت محور باشد، تعارض‌ها به‌جای رقابت یا انتقام، به فرصتی برای رشد تبدیل می‌شوند.

یافته‌های پژوهش بر ضرورت توجه هم‌زمان به مؤلفه‌های روان‌شناختی و معنوی در برنامه‌های مشاوره و آموزش خانواده‌های طلبگی تأکید دارد. طراحی دوره‌های آموزشی برای بهبود ارتباط عاطفی، آموزش مهارت‌های حل تعارض و تقویت دلبستگی معنوی می‌تواند نقش مؤثری در کاهش تعارضات زناشویی ایفا کند. افزون بر آن، استفاده از مداخلات مبتنی بر معنویت در مشاوره خانواده‌های مذهبی می‌تواند به‌عنوان رویکردی بومی و فرهنگی مؤثر مورد توجه قرار گیرد. در نهایت، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که پایداری روابط

پیش‌بینی تعارضات زناشویی بر اساس طلاق عاطفی، سازگاری زوجی ...

دلبستگی به خدا را برای عموم زوجین برگزار کنند؛ زیرا این مؤلفه‌ها می‌توانند در پیشگیری از فرسایش عاطفی و تحکیم بنیان خانواده نقش مؤثری داشته باشند.

ملاحظات اخلاقی

اهداف پژوهش در زمان توزیع پرسشنامه برای طلاب توضیح داده شد.

به سؤالات و ابهامات شرکت‌کنندگان پاسخ داده شد شرکت در پژوهش و تکمیل نمودن پرسشنامه کاملاً اختیاری و به انتخاب دانشجویان بود.

به شرکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که اطلاعات شخصی ایشان نزد پژوهشگر محفوظ می‌ماند و نتایج پژوهش بدون ذکر مشخصات طلاب منتشر خواهد شد.

به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که در صورت تمایل می‌توانند از نتایج پژوهش مطلع گردند.

زناشویی در میان زنان طلبه نه تنها متأثر از عوامل عاطفی و ارتباطی، بلکه وابسته به ساختار معنوی و نظام ارزشی آنان است. تقویت دلبستگی به خدا می‌تواند به عنوان منبع درونی تنظیم هیجان و معنا در مواجهه با تنش‌های زناشویی عمل کند و سازگاری زوجی را در بستر ارزش‌های دینی ارتقا دهد؛ بنابراین، مدل نهایی پژوهش را می‌توان الگویی سه‌بعدی از تعامل میان هیجان (طلاق عاطفی)، رفتار (سازگاری زوجی) و معنا (دلبستگی به خدا) دانست که در تبیین و پیش‌بینی تعارضات زناشویی زنان طلبه نقش تعیین‌کننده دارد.

در انتها؛ پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، جامعه آماری گسترده‌تری شامل طلبه‌های مرد، همسران طلبه‌ها و طلاب متأهل سایر مقاطع موردبررسی قرار گیرد تا امکان مقایسه جنسیتی و بررسی تعامل نقش‌های خانوادگی و طلبگی فراهم شود. ز آنجا که ساختار خانواده‌های طلبه ممکن است در استان‌ها و حوزه‌های علمیه مختلف از نظر فرهنگی و اقتصادی متفاوت باشد، انجام پژوهش‌های مقایسه‌ای می‌تواند تصویر جامع‌تری از نقش بافت فرهنگی در تعارضات زناشویی ارائه دهد.

از آنجا که آموزه‌های قرآنی بر مفاهیمی نظیر مودت، رحمت، صبر، گذشت، مسئولیت‌پذیری و آرامش در روابط زوجین تأکید دارند، بهره‌گیری از این تعالیم می‌تواند در برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای خانواده برای اقشار مختلف جامعه مؤثر واقع شود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابه در میان گروه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و شغلی نیز اجرا گردد تا میزان تعمیم‌پذیری یافته‌ها بررسی شود و امکان طراحی الگوهای بومی و مبتنی بر فرهنگ اسلامی-ایرانی برای کاهش تعارضات زناشویی فراهم آید.

همچنین پیشنهاد می‌شود مراکز مشاوره خانواده، دانشگاه‌ها و نهادهای فرهنگی، کارگاه‌های آموزشی مبتنی بر ارتقای سازگاری زوجی، تقویت پیوندهای عاطفی و توسعه معنویت و

Reference

- Heshmati, Mohammad Reza. The impact of social media culture on sexual satisfaction and emotional divorce with the mediating role of body image and gender expectations in married women. *Women's Cultural Psychology*. 2025. 65(17), 73-88. <https://sanad.iau.ir/Journal/jwc/Article/1211355> (In Persian)
- Salehi, Ali Mohammad, and Safuraei Parizi, Mohammad Mahdi. Feasibility study of an intervention package to reduce marital conflict based on Islamic sources. *Islamic Research Journal of Women and Family*. 2022. 10(4), 53-74. (In Persian)
- Timajchi, Fahimeh; Rashidzadeh, Shabnam; Eshrati, Mina; Karam Roudi, Atlas; Riyazi, Nastaran, and Janbaz, Mahdi. The effectiveness of emotion-focused couple therapy on conflicts and marital compatibility of couples referring to counseling centers in Tehran. *Quarterly Journal of Experimental and Cognitive Psychology*. 2025. 2(2), 1-13. (In Persian) <https://www.quarterlyecp.com/index.php/ecp/article/view/244>
- Ghanbari Kimia, Mahmoud; Alilu, Majid, and Bakhshi Pour Roodsari, Abbas. Predictive role of attachment styles in emotional divorce and marital satisfaction among couples visiting comprehensive health service centers in Bandar Abbas. *Journal of Faculty of Health and Institute of Health Research*. 2024. 22(3), 279-292. <http://sjsph.tums.ac.ir/article-1-6341-fa.html> (In Persian)
- Kim J, Hwang S. The asymmetric effects of improving and declining marital satisfaction on cognitive function. *Journal of Marriage and Family*. 2024 Aug;86(4):887-909. <https://doi.org/10.1111/jomf.12991>
- Abbasi, Mohaddeseh, and Abbasi, Zohreh. Effectiveness of group couple therapy based on cognitive-behavioral approach (CBT) on marital satisfaction and adjustment of couples. *Tolou Behdasht*. 2025. 24(1), 17-30. <http://tbj.ssu.ac.ir/article-1-3707-fa.html> (In Persian)
- Besharat, Mohammad Ali; Akhavan Tabatabai, Pardis Sadat, and Farahani, Hojatollah. The mediating role of self-disclosure and positive and negative emotions in the relationship between attachment styles and couples' compatibility levels. *Family Psychology*. 2024. 11(2), 146-166. <https://doi.org/10.22034/ijfp.2025.556366.1124> (In Persian)
- Tahmasb, Sohila, and Moltafet Ghavam. Predicting life satisfaction based on attachment to God with the mediation of emotional cognitive regulation. *Journal of Psychological Sciences*. 2019. 18(79), 807-818. <http://psychologicalscience.ir/article-1-334-fa.html> (In Persian).
- Malekzadeh Sara, Basri Ahmad. The relationship between couples' cognitive emotion regulation and conflicts between them with quality of life and religious attitude in students. *Quarterly Scientific-Research Journal*, 1402; 8(3): 27-34. (In Persian).
- Fatemi, Tayyebeh, Sudani, Mansour, Mehrabzadeh, Honarmand, Mahnaz. The effectiveness of religious teachings on couples' marital conflicts. *Journal of Islamic Psychology*, 2017; 3(6): 118-144. (In Persian).
- Michael, K., & Ben-Zur, H. Couples' psychological resources and marital satisfaction: The mediating role of marital support. *Europe's Journal of Psychology*, 2024. 20(4), 303-316. <https://doi.org/10.5964/ejop.11769>
- Al-Shahrani, A. M., & Hammad, S. M. Cognitive emotion regulation and emotional divorce. *Psychology of Woman Journal... Impact of emotional divorce Research and Public Health*. 2024.
- Monk, J. K., & Ogolsky, B. G. The role of family-of-origin environment and discrepancy in conflict behavior on newlywed marital quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 2021. 38(1), 124-147. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0293285>
- Farhoush, Mohammad; Erfani, Ahmad, and Habibollahi, Hamidreza. The relationship between attachment to God and happiness and life satisfaction in seminary students and non-seminary students. *Cultural Psychology*. 2019. 3(1), 209-223. (In Persian)
- Brodowski, A. God attachment and mental health: The protective role of spiritual security. *Journal of Positive Psychology and Religion*, 2025. 10(1), 55-69
- Beck, R. (2006). God as a secure base: Attachment to God and theological exploration. *Journal of Psychology and Theology*, 34(2), 125-132. <https://doi.org/10.1177/009164710603400202>
- Kalia, V., Knauff, K., & Hayatbakhsh, R. (2015). Spirituality, attachment to God, and quality of life. *Journal of Religion and Health*, 54(5), 1663-1675. <https://doi.org/10.1007/s10943-014-9956-1>
- Miner, M., Dawson, T., & Malone, D. (2018). Attachment to God, psychological well being, and religious coping. *Journal of Psychology and Theology*, 46(1), 3-16.

Predicting Marital Conflicts Based on Emotional Divorce, Marital Compatibility, and Attachment to God in Female Students with an Emphasis on Quranic Teachings¹

Fatemeh Nasiri Balakolayi¹, Shahrbanoo Dehrouyeh^{2*}

Abstract

Objective: The present study aimed to predict marital conflicts based on emotional divorce, marital adjustment, and attachment to God.

Method: In terms of purpose, this study was fundamental research, and regarding the method of data collection and analysis, it was descriptive and correlational. The statistical population consisted of all female seminarians of Al-Zahra and Narjes seminaries, totaling 600 individuals. Based on the Krejcie and Morgan table, the sample size was estimated to be 234 participants who were selected through simple random sampling. Data collection instruments included four standardized questionnaires: the Kansas Marital Conflict Questionnaire, the Gottman Emotional Divorce Questionnaire, the Locke–Wallace Marital Adjustment Scale, and the Beck and McDonald Attachment to God Questionnaire. Data analysis was conducted in two sections: descriptive statistics (frequency, percentage, and charts) and inferential statistics (Kolmogorov–Smirnov test and regression analysis) using SPSS software.

Findings: The results indicated that there was a significant relationship between marital conflicts and emotional divorce ($r = 0.502$), marital adjustment ($r = -0.621$), and attachment to God ($r = -0.58$) among female seminarians.

Conclusion: The findings of this study suggest that the stability of marital relationships among female seminarians is influenced not only by emotional and relational factors but also by their spiritual structure and value system.

Keywords: attachment to God, emotional divorce, marital adjustment, Marital conflicts.

1. Master's degree, Department of Psychology, Adib Mazandaran Institute of higher education, Sari, Iran. fateme.dehroye@gmail.com.

2.*Corresponding Author: Assistant professor, Department of Psychology, Adib Mazandaran Institute of higher education, Sari, Iran.